

درس پانزدهم - شیر و موش

وازگان

وحوش : جانوران وحشی - جانوران اهلی نشده خطا کار : گناهکار - کسی که کار نادرستی انجام داده است مغفرت : بخشش گناهان - آمرزش بازیگوش : کسی که بیشتر به فکر بازی و تفریح است حاصل کرد : به دست آورد یک غازی : بی ارزش - ناقیز بشتافت : شتابان رفت - تند تند رفت هراس : ترس - احساس نگرانی	بیشه : جنگل - جنگل کوچک موشک : موش کوچک خفته : خوابیده - به خواب رفته متغیر : خشمگین - عصبانی لابه : التماس حول و حوش : اطراف - دور و بر خلاص : رهایی صید : شکار
حدس زدم : گمان کردم - فکر کردم فاش : آشکار - ظاهر قطعات : قطعه ها - تکه ها وادرار کردن : مجبور کردن سابق : گذشته - قبل	ناهماهنگی : بی نظمی متفکرانه : در حال تفکر - اندیشمندانه مرور : مطالعه مطلبی به صورت سریع - تندخوانی تعلق داشتن : وابستگی داشتن - مال کسی بودن تحمل : صبر - شکیلایی

هم خانواده

تکلیف : مکلف تعلق : متعلق مربوط : ربط - رابط موفقیت : توفیق - موفق راضی : رضا - رضایت میل : مایل - امیال وضع : اوضاع - وضعیت	متغیر : تغییر وحوش : وحشی مغفرت : استغفار رحم : رحمان - رحیم صید : صیاد عوض : تعویض حاصل : محصول
--	--

مخالف :

درست : غلط گریه : خنده تشویق : تنبیه رهایی : اسارت آخرین : اولین جدی : شوخی	سخت : آسان خفته : بیدار بهترین : بدترین خواب : بیدار حقیقت : دروغ موفقیت : شکست
--	--

وازگان املایی

آشفته - متغیر - بازیگوش - یک غازی - هراس - وحوش - خطاکار - مغفرت - لابه - صید - حول و حوش - خلاص - جدیت - موضوع - جست و خیز - به شدت - آغوش - واقعاً - تعلق - داوطلب - می غلتید
--

شیر و موش

موشکی کرد ، خوابش آشفته

بود شیری به بیشه ای ، خفته

آنقدر گوش شیر ، گاز گرفت

گه رها کرد و گاه باز گرفت

شیری در بیشه ای خوابیده بود . موش کوچکی خواب او را بر هم زد . گوش شیر را خیلی گاز می گرفت . گاهی گوش او را رها می کرد و دوباره آن را گاز می گرفت

تا که از خواب ، شیر شد بیدار

متختیز موش بد رفتار

دست برد و گرفت کله ای موش

شد گرفتار ، موش بازی گوش

تا این که شیر از خواب بیدار شد ، حال شیر به خاطر بدرفتاری موش تغییر کرد و تعجب کرد . شیر دستش را برد و سر موش را گرفت و موش بازیگوش گرفتار شد

خواست در زیر پنجه له کندش

به هوا بردہ ، بر زمین زندش

گفت : ای موش لوس یک غازی

با دم شیر می کنی بازی

شیر تصمیم گرفت موش را از زیر پنجه اش له کند یا او را بلند کرده و به زمین بکوبد .

گفت ای موش لوس بی ارزش با دم شیر بازی می کنی ؟

موش بیچاره در هراس افتاد

گریه کرد و به التماس افتاد

که تو شاه و هوشی و من موش

موش هیچ است پیش شاه و هوش

موش بیچاره ترسید و شروع کرد به گریه و التماس کردن

که ای شیر تو شاه حیوانات جنگل هستی و من یک موش هستم . موش در مقابل پادشاه حیوانات هیچ است

تو بزرگی و من خطا کارم

از تو امید مغفرت دارم

شیر از این لابه رحم حاصل کرد

پنجه وا کرد و موش را ول کرد

تو بزرگی و من گناه کارم . امیدوارم از جانب تو بخشیده شوم . شیر به خاطر این تماس ها دلش به رحم آمد . پنجه اش را باز کرد و موش را رها کرد .

اتفاقا سه چار روز دگر

شیر را آمد این بلا بر سر

از پی صید گرگ ، یک صیاد

در همان حول و هوش دام نهاد

اتفاقا سه چهار روز دیگر همین بلا بر سر شیر آمد .

یک صیادی که به دنبال شکار گرگ بود در همان حوالی دامی گذاشت .

دام صیاد گیر شیر افتاد

عوض گرگ ، شیر گیر افتاد

موش چون حال شیر را دریافت

از برای خلاص او بشتافت

دامی که صیاد گذاشته بود نصیب شیر شد و به جای گرگ ، شیر در آن گرفتار شد .

موش وقتی از وضعیت شیر باخبر شد برای نجات دادن او با سرعت رفت

بندها را جوید با دندان

تا که در برد شیر از آن جا جان

شیر چون موشی را رهایی داد

خود رها شد ز پنجه‌ی صیاد

موش با دندان‌های خود بندهای دام را جوید تا شیر از آن دام جان سالم بدرد برد و رها شد.

شیر به خاطر این که موش را رها کرد، خودش نیز از دست صیاد رهایی یافت.

دانش زبانی

از ترکیب اسم با (زار)، واژه‌هایی با معنی جدید ساخته می‌شود.

سبزه زار : جایی که پر از سبزه است.

نمک زار : جایی که در آن زمین نمک وجود دارد.

گندم زار : جایی که در آن گندم می‌روید.

چمن زار : جایی که آن چمن فراوان روییده است.

نی زار : جایی که نی فراوان روییده است.

گل زار : جایی که در آن گل فراوان روییده است.

هرگاه زار به انتهای کلمه‌ای اضافه شود، کلمه‌ای جدید ساخته می‌شود و از مفهوم آن (جایی که چیزی به طور فراوان در آن وجود دارد) درک می‌شود

نکته:

در ترکیب کلماتی که آخر آن (ه) صدای — دارد اتصال با ای صورت می‌گیرد.

مانند: پنجه‌ی صیاد — کله‌ی موش — بیشه‌ی خفته — خانه‌ی ما

در کلماتی که صدای آخر آن (آ) است نیز هنگام ترکیب به ای نیاز داریم.

ترس‌ها = ترس‌های نادرست

در کلماتی که آخر آن صدای ه شنیده می‌شود و سایر کلمات اتصال با کسره صورت می‌گیرد.

مانند: شاه‌وحوش — روزِ دگر — مردمِ ایران — سردارِ لشکر — ماهِ تابان

نکات نگارشی:

هنگام ادامه دادن یک نوشته و کامل کردن آن :

- سعی کنید ارتباط بندهای نوشته با بخش آغاز آن حفظ شود
- نشانه‌های نگارشی را به جا و مناسب استفاده کنید
- با جمله‌ها و عبارت‌های مناسب نوشته را به پایان ببرید

ایرج میرزا : شاعر معروف ایرانی است . شعرهای او ساده و روان است . او در تبریز به دنیا آمد و در تهران وفات یافت .

پرسش های متن درس

۱- معنی هر واژه را بنویسید .

فاش : هراس : حول و حوش : وحوش :

سابق : لابه : خلاص : مغفرت :

۲- ترکیب های زیر را بسازید و معنی کنید .

..... گل + زار : : :

..... نی + زار : : :

..... + : : جای زمین آن نمک زیادی دارد .

۳- مخالف کلمه های زیر را بنویسید .

راهای : خواب : گریه : خفته :

حقیقت : آخرین : بیشترین : تشویق :

۴- با حروف به هم ریخته کلمه بسازید .

ش - ب - ا - ر - ھ س - ا - ر - ھ ت - غ - ی - م - ر ح - ش - و - و

۵- مفهوم بیت های زیر را بنویسید .

گفت : ای موش لوس یک غازی

۶- هم خانواده کلمات زیر را بنویسید .

مغفرت : صید : رحم : وحوش :

خلاص : عوض : مربوط : حاصل :

۷- کلمه گرفت در هر جمله به چه معنا است .

علی توب را گرفت . خورشید گرفت .

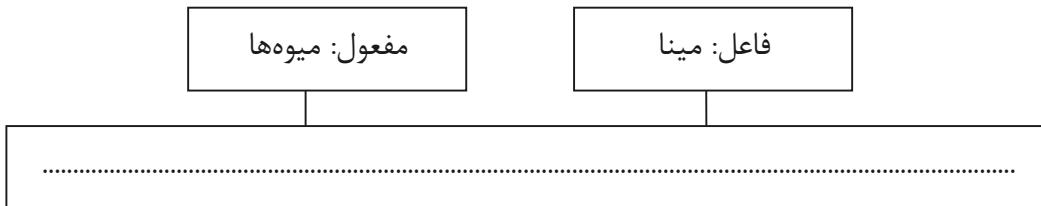
۸- شکل اصلی و کوتاه نشده کلمات زیر را بنویسید .

گه : گر : کای : زین :

۹- با توجه به مفهوم هر کلمه، هر دو واژه را طوری کنار هم قرار دهید که ترکیبی معنادار ساخته شود. (به علامت - یا ی میان دو واژه دقّت کنید).

مزرعه + گندم : پیاله + عسل : مهمان + ما : صدا + آب شاه + وحوش

۱۰- با توجه به نقش دستوری کلمات جمله بسازید .



۱۱- جاهای خالی شعر زیر را کامل کنید.

تو بزرگی و من
از تو امید دارم
بندها را

۱۲- جمله زیر را بخوانید و در یک بند ادامه دهید .

من به عنوان یک دانش آموز ایرانی تمام تلاش خود را

برای هر کلمه دو صفت بنویسید .

داستان :
شیر:

۱۴- در کدام گزینه واژه ها هم خانواده نیستند .

الف) وحش - وحشی ب) رحم - حرمت ج) خلاص - خالص د) عوض - تعویض

۱۵- در کدام گزینه متضاد وجود دارد .

الف) خفته ، خواب ب) عظمت ، بزرگی ج) هراس ، ترس د) رها ، گرفتار

۱۶- شعر شیر و موش از کیست .

الف) سعدی ب) پروین اعتضامی ج) فردوسی د) ایرج میرزا

۱۷- کدام مورد جمع نیست .

الف) جوانان ب) افکار ج) مدارس د) احسان

۱۸- در مصراع زیر مفهوم کدام است . شیر چون موش را رهایی دارد .

الف) شیر ب) موش ج) رهایی د) چون

-۷ علی توپ را گرفت : در دست گرفتن	حوال و حوش : اطراف	-۱ وحش : جانوران اهلی نشده
خورشید گرفت : پوشیده شدن	فاش : آشکار	هراس : ترس
-۸ گاه - اگر - که ای - از این	خلاص : رهایی	مغفرت : بخشش
-۹ مزرعه‌ی گندم - پیاله‌ی عسل - مهمان ما - صدای آب	سابقه : گذشته	لابه : التماس
- شاه وحوش		- ۲ گل زار : جایی که گل فراوان در آن روییده است
-۱۰ مینا میوه‌ها را شست.		نی زار : جایی که نی فراوان در آن روییده است
-۱۱ تو بزرگی و من خطا کارم	نمک زار : جایی که نمک زیادی در آن قرار دارد	
از تو امید مغفرت دارم		- ۳ خفته : بیدار
بندها را جوید با دندان		خواب : بیدار
تا که در برد شیر از آن جا جان		تبلیغ : تنبیه
-۱۲ به عهده‌ی دانش آموز		بیشترین : کمترین
-۱۳ داستان خوب - داستان طولانی		حقیقت : دروغ
شیر بزرگ - شیر پیر		- ۴ وحش - متغیر - هراس - بشتابت
-۱۴ گزینه ب		- ۵ شیر گفت : ای موش لوس بی ارزش . با دم شیر بازی می کنی ؟ (یعنی کار خیلی خطرناکی می کنی)
-۱۵ گزینه د	رحم : ترحم	- ۶ وحش : وحشی
-۱۶ گزینه د	مغفرت : غفران	صیاد : صید
-۱۷ گزینه د	مربوط : ربط	حاصل : محصول
-۱۸ گزینه ب	خلاص : خالص	عوض : تعویض

موفق باشید .

تهیه کننده : معصومه مدادی

